

نویسنده: دکتر احمد جعفری صمیمی

## منابع درآمدهای عمومی دولت و رشد اقتصادی در ایران یک تحلیل تجربی (۱۳۶۷-۱۳۵۲)

### چکیده

یکی از فرضیه‌هاییکه در ارتباط با کشورهای در حال توسعه مورد قبول اغلب اقتصاددانان واقع شده این است که برای افزایش رشد اقتصادی این کشورها باید با بسیج منابع داخلی و مخصوصاً درآمدهای عمومی دولت برای رسیدن به هدف فوق‌گام بردارند. به عبارت دیگر برای تحقق رشد اقتصادی لازم است منابع درآمدهای عمومی دولت از آهنگ رشد نسبتاً سریعتری در مقایسه با تولید ناخالص داخلی کشور که در حقیقت مهمترین شاخص اقتصاد کلان برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی است، برخوردار باشد.

اگر درآمدهای عمومی دولت در ایران شامل درآمدهای مالیاتی، نفت و گاز و سایر درآمدها باشد، در اینصورت نتایج بدست آمده در این مقاله نشان می‌دهد که در مجموع، منابع اصلی درآمدهای عمومی دولت نتوانسته است به اندازه تولید ناخالص داخلی رشد کند. اما اگر منابع تأمین کسری بودجه - که در کشور ما مخصوصاً در سالهای اخیر عمدتاً از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین شده است - به عنوان درآمد دولت تلقی شود، در اقتصاد ایران نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که منابع

تأمین کسری بودجه که در حقیقت باید آن را بدهی دولت محسوب کرد، توانسته است حتی سریع تر از تولید ناخالص داخلی رشد نماید. ضمناً باید گفت این منابع همواره به عنوان منابع عادی درآمد برای دولت به شمار آمده‌اند.

در اقتصاد ایران مهمترین منبع داخلی که توانسته است در تأمین و تداوم رشد اقتصادی کشور به قیمت جاری، نقش با اهمیت و مؤثری ایفا نماید منابع تأمین کسری بودجه دولت بوده است. همچنین وابستگی دولت به این منابع برای تحقق رشد اقتصادی، در حقیقت مهمترین عامل ایجاد تورم در سالهای اخیر نیز بوده است.

## مقدمه

حاکم بر این کشورها، شرایط اولیه لازم در راه توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور این است که دولت، باید بصورت قابل توجهی خدماتی از قبیل تعلیم و تربیت، بهداشت، شبکه‌های ارتباطات و غیره را که درآمدزا نیز نیست، گسترش دهد.

در این تحقیق سعی شده است با استفاده از اطلاعات موجود و قطعی کشورمان در فاصله سالهای ۱۳۶۷ - ۱۳۵۲ چگونگی سهم و اهمیت منابع مختلف درآمدهای بخش عمومی و مخصوصاً مالیاتها و رابطه آن با رشد اقتصادی کشور بررسی و ارزیابی شود.

## روش تحقیق و معرفی الگو

برای بررسی اهمیت و انعطاف پذیری منابع مختلف درآمدهای بخش عمومی در

یکی از فرضیه‌هاییکه امروز در ارتباط با کشورهای در حال توسعه مورد قبول اغلب اقتصاددانان می‌باشد این است که برای افزایش رشد اقتصادی این کشورها باید با بسیج منابع مختلف داخلی و بدون انتظار کمک از جانب کشورهای دیگر، برای رسیدن به این هدف گام بردارند. در این ارتباط استفاده از یک نظام مالیاتی مؤثر می‌تواند ابزار مطلوبی برای تأمین هدف فوق باشد.<sup>۱</sup> نیکولاس کالدور<sup>۲</sup> معتقد است اگر کشورهای توسعه نیافته بخواهند پیشرفت سریع اقتصادی داشته باشند در اینصورت نقش درآمدهای عمومی دولت به هیچ وجه نباید نادیده گرفته شود. بر اساس نظریه وی، بدون توجه به رنگ سیاسی و یا ایدئولوژی

۱- تحقیقات زیادی در ارتباط با نقش منابع درآمدهای عمومی دولت و مخصوصاً مالیاتها در رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. مهمترین این مطالعات اختصاص به کشورهای امریکای لاتین و امریکای مرکزی دارد. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

J.F.Toye edited: Taxation & Economic Development, Frank Cass & company Limited, London, 1978, pp 83-101.

2- N.Kaldor; "Will Underdeveloped Contries Learn How To Tax?" Essays On Economic policy vol 1, London: Gerald Duckworth & Co LTD, 1964.

رشد اقتصادی ایران کشش این منابع نسبت به تولید ناخالص داخلی را برآورد می کنیم که در حقیقت مهمترین شاخص اقتصاد کلان برای اندازه گیری رشد اقتصادی است. برای این منظور با استفاده از تعریف کشش می توان نوشت:

$$\text{کشش} = \frac{\text{درصد تغییرات درآمدهای عمومی}}{\text{درصد تغییرات در تولید ناخالص داخلی}}$$

اگر کشش را با  $b$ ، درآمدهای عمومی را با  $R$  و تولید ناخالص داخلی را با  $Y$  نمایش دهیم، در این صورت می توان فرمول کشش را به صورت زیر نیز نوشت:

$$b = \frac{\frac{dR}{R}}{\frac{dY}{Y}} = \frac{d \ln R}{d \ln Y} \quad (1)$$

و یا (۲)  $d \ln R = b d \ln Y$  با انتگرال گیری از طرفین معادله (۲) خواهیم داشت:

$$\ln R + C_1 = b \ln Y + C_2 \quad (3)$$

که در آن  $C_1$  و  $C_2$  اعداد ثابت انتگرال هستند. معادله (۳) را می توان به صورت زیر نوشت:

$$\ln R = b \ln Y + (C_2 - C_1) = \ln Y^b e^a \quad (4)$$

که در آن  $a = C_2 - C_1$  عدد ثابت و  $e$  مبنای لگاریتم و  $b$  کشش درآمدهای عمومی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی

است.

با استفاده از معادله (۴) اکنون می توان نوشت:

$$R = e^a Y^b \quad (4')$$

معادله (۴') در حقیقت معادله ای است که رابطه بین درآمدهای عمومی مختلف دولت ( $R$ ) و تولید ناخالص داخلی ( $Y$ ) را نشان می دهد.  $a$  و  $b$  پارامترهای الگوی فوق را نشان می دهند. هدف اصلی ما برآورد پارامتر  $b$  و تفسیر اقتصادی آن است.

برای تخمین پارامتر  $b$  با توجه به معادله (۴') باید گفت که این الگو ظاهراً یک الگوی غیرخطی است ولی با استفاده از تبدیل لگاریتمی می توان معادله (۴') را به این صورت نوشت:

$$\ln R = a + b \ln Y \quad (5)$$

$$R^* = a + by^* \quad \text{یا (6)}$$

$$R^* = \ln R \quad \text{که در آن}$$

$$Y^* = \ln Y$$

با توجه به معادله (۶) می توان با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پارامترهای رگرسیون  $R^*$  بر روی  $Y^*$  و در نتیجه تخمین  $b$  را که در حقیقت تخمین کشش منابع درآمدهای عمومی دولت ( $R$ ) نسبت به تولید ناخالص داخلی ( $Y$ ) است، بدست آورد.<sup>۳</sup> با استفاده از تخمین این کشش ( $b$ ) می توان

۳- البته فرض می شود که شرایط روش حداقل مربعات معمولی و فروض مربوط به جمله خطا در این الگو صادق می باشد. برای توضیح بیشتر رجوع شود به:

مبانی اقتصاد سنجی - احمد جعفری صمیمی - انتشارات جهاد دانشگاهی - تابستان ۱۳۶۷ فصول ۳ و ۶.

۸- مالیات مستقیم (مالیات بر شرکتها و مالیات بر درآمد و ثروت اشخاص)

۹- کسری بودجه

اطلاعات مربوط به متغیرهای یاد شده و تولید ناخالص داخلی در سالهای ۶۷-۱۳۵۲ در جدول (۱) نشان داده شده است. همچنین برای بررسی اهمیت نسبی هر یک از این منابع جدول (۲) بر اساس اطلاعات جدول (۱) محاسبه شده است.

همانطوری که از ارقام این جداول مشاهده می شود، سهم مالیاتها در تولید ناخالص داخلی رقم بسیار ناچیزی را تشکیل می دهد، بطوری که این رقم در فاصله سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۲ بین ۴٫۸۴ تا ۸٫۳۳ درصد در نوسان بوده است.<sup>۴</sup> در مقابل، سهم مخارج دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی با وجودی که در فاصله سالهای فوق رو به کاهش بوده است ولی باید گفت که این نسبت همواره از سهم مالیاتها در تولید ناخالص داخلی بیشتر بوده است.<sup>۵</sup>

انعطاف پذیری و حساسیت انواع مختلف درآمدهای عمومی دولت در ارتباط با تغییرات تولید ناخالص داخلی را بررسی کرد. هرچه این کشش بیشتر باشد، در این صورت می توان گفت که برای تأمین و تداوم رشد اقتصادی می توان به منابع داخلی بیشتر تکیه نمود.

اطلاعات آماری

برای بررسی اهمیت و سهم منابع مختلف درآمدهای بخش عمومی در رشد اقتصادی کشور، در این تحقیق سهم هر یک از انواع درآمدهای عمومی دولت به صورت جداگانه بررسی شده است:

۱- کل درآمدهای عمومی دولت

۲- کل درآمدهای مالیاتی

۳- درآمد مربوط به نفت و گاز

۴- سایر درآمدهای عمومی (غیر از نفت

و گاز و مالیاتها)

۵- مالیاتهای غیرمستقیم (مالیات بر

واردات و مالیات بر مصرف و فروش)

۶- مالیات بر واردات

۷- مالیات بر مصرف و فروش

۴- در اقتصاد بخش عمومی برای اندازه گیری بخش عمومی معیارهای مختلفی وجود دارد. از جمله این معیارها می توان به نسبت مخارج دولت و یا نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص اشاره نمود. باید گفت با وجودی که در مورد کشورهای پیشرفته استفاده از هر یک از دو معیار فوق برای اندازه گیری اهمیت بخش عمومی نتایج تقریباً یکسانی ایجاد می کند ولی برای کشورهایی مانند ایران این دو معیار نتایج کاملاً متفاوتی خواهند داشت زیرا در کشورهای پیشرفته تقریباً همه مخارج دولت از مالیاتها تأمین مالی می شوند، در حالیکه در کشورهایی مانند ایران درصد بسیار ناچیزی از مخارج دولت از طریق مالیاتها تأمین می شود. بنابراین استفاده از معیار نسبت مالیاتها به تولید ناخالص داخلی نمی تواند اهمیت و اندازه واقعی بخش عمومی در کشور ما را بیان کند. اما کل مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی برای اندازه گیری رشد بخش عمومی کشور ما مناسب تر است. ۵- نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی در فاصله سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۲ به ترتیب برابر با، ۳۰٫۱۷، ۴۸٫۹۱، ۴۲٫۷۱، ۴۴٫۶۵، ۳۹٫۹۳، ۳۵٫۱۷، ۳۳٫۱۸، ۳۲٫۵۳، ۳۰٫۴۴، ۲۸٫۳۳، ۲۴٫۱۶، ۲۳٫۶۲، ۲۱٫۵ و ۱۸٫۷، ۱۷٫۸ درصد بوده است رجوع شود به منابع مورد استفاده در جدول (۱).

منابع درآمدهای عمومی....

جدول (۱): تولید ناخالص داخلی و منابع درآمدهای عمومی دولت در سال های ۱۳۶۷ - ۱۳۵۲ (میلیارد ریال)\*

کسری بودجه دولت	مالیات مستقیم	مالیات بر مصرف و فروش	مالیات بر واردات	مالیات غیرمستقیم	درآمدهای دولت غیر از نفت و گاز	درآمد * * مربوط به نفت و گاز	کل درآمدهای مالیاتی	کل درآمدهای دولت	تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار سال
۵۲٫۹	۶۷٫۴	۱۷٫۶	۶۰٫۷	۷۸٫۳	۲۲٫۳	۳۱۱٫۳	۱۳۱٫۲	۴۲۴٫۸	۱۷۶۳٫۸
۷۲٫۲	۱۱۶٫۹	۲۲	۶۳٫۶	۸۵٫۶	۳۱٫۴	۱۲۰۵٫۲	۱۵۷٫۸	۱۳۹۴٫۴	۳۰۸۹٫۹
۱۵۱٫۹	۱۹۳٫۸	۲۶٫۳	۹۲٫۶	۱۱۸٫۹	۶۴٫۵	۱۲۴۶٫۸	۲۷۰٫۸	۱۵۸۲٫۱	۳۵۱۲٫۱
۱۸۷٫۸	۱۶۹٫۸	۳۲٫۵	۱۲۲٫۶	۱۵۵٫۱	۷۲	۱۴۲۱٫۵	۳۴۲٫۹	۱۸۳۶٫۴	۴۶۹۶٫۹
۲۳۰٫۳	۴۵۸	۴۴٫۱	۱۶۹٫۲	۲۱۳٫۳	۹۲٫۸	۱۴۹۸٫۸	۴۴۳٫۶	۲۰۳۴٫۲	۵۵۸۱٫۲
۲۶۹٫۵	۶۰۸٫۹	۵۲٫۷	۱۴۳٫۷	۱۹۶٫۴	۱۱۹٫۸	۱۰۱۳٫۲	۴۶۵٫۹	۱۵۹۸٫۹	۵۵۲۹٫۶
۲۲۸٫۱	۵۲۸٫۳	۳۹٫۳	۱۰۰٫۹	۱۴۰٫۲	۱۱۱٫۶	۱۲۱۹٫۷	۳۶۸٫۳	۱۶۹۹٫۶	۶۳۳۵٫۳
۱۲۹٫۲	۹۷۲٫۵	۴۹٫۹	۱۶۱٫۳	۲۱۱٫۲	۹۶٫۷	۸۸۸٫۸	۳۴۰٫۳	۱۳۲۵٫۹	۶۹۲۶
۳۲۱٫۹	۹۳۷	۶۲٫۵	۱۶۹٫۷	۲۳۲٫۲	۱۵۹٫۶	۹۳۷٫۹	۵۵۴٫۱	۱۶۵۱٫۶	۸۳۲۲٫۹
۲۹۵٫۵	۷۷۵٫۷	۱۰۰٫۹	۲۱۷٫۵	۳۱۸٫۴	۱۹۸٫۵	۱۵۶۳٫۵	۶۱۳٫۹	۲۳۷۵٫۹	۱۰۷۵۶٫۳
۳۳۳	۱۰۷۲٫۲	۱۱۸٫۳	۳۴۶٫۳	۴۸۲٫۶	۲۱۸٫۳	۱۵۸۵٫۳	۷۹۶٫۵	۲۶۰۰٫۱	۱۳۷۴۹٫۵
۴۰۶	۸۱۸	۱۴۸٫۳	۳۴۵٫۷	۴۹۴	۴۵۴٫۷	۱۲۸۲٫۲	۸۹۸٫۷	۲۶۳۵٫۶	۱۵۰۲۹٫۶
۵۳۱٫۵	۶۲۱٫۹	۲۳۰٫۳	۲۷۳٫۸	۵۰۴٫۱	۴۶۹	۱۱۸۸٫۷	۱۰۳۳٫۷	۲۶۹۱٫۴	۱۵۳۰۵٫۸
۵۸۱٫۸	۱۳۷۵	۲۲۰	۲۲۴٫۸	۴۴۴٫۸	۳۴۰٫۵	۴۱۶٫۸	۱۰۲۴٫۶	۱۷۸۱٫۹	۱۶۱۲۱٫۷
۶۱۲٫۴	۱۴۲۹٫۷	۲۱۶٫۷	۲۰۱٫۲	۴۱۷٫۹	۳۷۵٫۱	۷۶۶٫۲	۱۰۳۰٫۲	۲۲۱۰٫۸	۲۱۲۷۰٫۴
۶۴۶	۲۱۲۵٫۲	۱۹۴٫۷	۱۴۵٫۸	۳۴۰٫۵	۴۳۱٫۱	۶۶۷٫۸	۹۸۶٫۵	۲۰۸۵٫۴	۲۳۵۸۷٫۹

\* تمامی ارقام به قیمت جاری است.

\*\* در درآمدهای نفت و گاز پیش فروش اسناد حمل نفت در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ منظور نشده است.

منابع: حسابهای ملی ایران ۵۶-۱۳۳۸، بانک مرکزی ایران، ۱۳۶۰ ترازنامه بانک مرکزی ایران سالهای مختلف - قانون بودجه سال ۱۳۶۶ کل کشور - برآورد اولیه تولید و هزینه ملی کشور در سالهای ۶۴ و ۶۵ بانک مرکزی ایران (اداره - حسابهای اقتصادی) - سالنامه آماری ۱۳۶۷، مرکز آمار ایران بهمن ۱۳۶۸ آخر منابع .... گزارش اقتصادی و ترازنامه سال

۱۳۶۷ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره بررسیهای اقتصادی

آخر منابع .... گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۷ - بانک جمهوری اسلامی ایران - اداره بررسیهای اقتصادی

جدول (۲): سهم مالیات و کسری بودجه در تولید ناخالص داخلی و اهمیت نسبی منابع مختلف درآمدهای عمومی ۶۷ - ۱۳۵۲ (درصد)\*

سال	سهم مالیات در تولید ناخالص داخلی	سهم مالیات در کل درآمدهای دولت	سهم درآمد نفت و گاز در کل درآمد دولت	سهم سایر درآمدها در کل درآمد دولت	سهم مالیات غیرمستقیم در کل مالیاتها	سهم مالیات بر واردات در کل مالیاتها	سهم مالیات بر مصرف و فروش در کل مالیاتها	سهم کسری بودجه در تولید ناخالص داخلی
۵۲	۷٫۴۴	۲۸٫۲۳	۶۶٫۹۷	۴٫۸	۵۹٫۶۸	۴۶٫۲۷	۱۳٫۴۱	۳٫۸۲
۵۳	۵٫۱۱	۱۱٫۳۲	۸۶٫۴۳	۲٫۲۵	۵۴٫۲۵	۴۰٫۳۱	۱۳٫۹۴	۳٫۷۸
۵۴	۷٫۷۱	۱۷٫۱۲	۷۸٫۸۱	۴٫۰۸	۴۳٫۹۰	۳۴٫۲	۹٫۷۱	۵٫۵۲
۵۵	۷٫۳	۱۸٫۶۷	۷۷٫۴۱	۳٫۹۲	۴۵٫۲۳	۳۵٫۷۵	۹٫۴۸	۳٫۶۲
۵۶	۷٫۹۵	۲۱٫۸۱	۷۳٫۶۸	۴٫۵۶	۴۸٫۰۸	۳۸٫۱۴	۹٫۹۴	۸٫۲۱
۵۷	۸٫۴۳	۲۹٫۱۴	۶۳٫۳۷	۷٫۴۹	۴۲٫۱۵	۳۰٫۸۴	۱۱٫۳۱	۱۱٫۰۱
۵۸	۵٫۸۱	۲۱٫۶۷	۷۱٫۷۶	۶٫۵۷	۳۸٫۰۷	۲۷٫۴۰	۱۰٫۶۷	۸٫۴۳
۵۹	۴٫۹۱	۲۵٫۶۷	۶۷٫۰۳	۷٫۳۰	۶۲٫۰۶	۴۷٫۳۹	۱۴٫۶۶	۱۴٫۰۴
۶۰	۶٫۶۶	۳۳٫۵۵	۵۶٫۷۹	۹٫۶۶	۴۱٫۱۵	۳۰٫۶۳	۱۱٫۲۸	۱۱٫۲۶
۶۱	۵٫۷۱	۲۵٫۸۴	۶۵٫۸۱	۸٫۳۵	۵۱٫۸۷	۳۵٫۴۳	۱۶٫۴۴	۷٫۲۱
۶۲	۵٫۷۹	۳۰٫۶۳	۶۰٫۹۷	۸٫۴۰	۶۰٫۵۹	۴۳٫۴۸	۱۴٫۸۵	۷٫۸۰
۶۳	۵٫۹۸	۳۴٫۱۰	۴۸٫۶۵	۱۷٫۲۵	۵۴٫۹۷	۳۸٫۴۷	۱۶٫۵۰	۴٫۷۸
۶۴	۶٫۷۵	۳۸٫۴۱	۴۴٫۱۷	۱۷٫۴۳	۴۸٫۷۷	۲۶٫۴۹	۲۲٫۲۸	۴٫۰۶
۶۵	۶٫۳۶	۵۷٫۵۰	۲۳٫۳۹	۱۹٫۱۱	۴۳٫۴۱	۲۱٫۹۴	۲۱٫۴۷	۸٫۵۳
۶۶	۴٫۸۴	۴۶٫۶	۳۴٫۶۶	۱۸٫۷۴	۴۰٫۵۶	۱۹٫۵۳	۲۱٫۰۳	۶٫۷۲
۶۷	۴٫۱۸	۴۷٫۳	۳۲٫۰۲	۲۰٫۶۷	۳۴٫۵	۱۴٫۷۸	۱۹٫۷۴	۹٫۰۱

پائین بودن سهم مالیاتها در تأمین مالی مخارج دولت از یک طرف و به علت کافی نبودن درآمدهای غیرمالیاتی از طرف دیگر

یکی دیگر از مشخصات اقتصاد بخش عمومی ایران که از اطلاعات آماری یاد شده مشاهده می شود این است که به علت

## منابع درآمدهای عمومی....

با استفاده از اطلاعات موجود در جدول (۱) و با توجه به الگوی رگرسیون، کشش منابع درآمدهای عمومی و کسری بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی برای دوره زمانی ۶۷-۱۳۵۲ برآورد شده است. نتایج بدست آمده همراه با ارقام مربوط به  $R^2$  و  $t$  در جدول (۳) نشان داده شده است.

دولت در سالهای مختلف با کسری بودجه مواجه بوده است.<sup>۶</sup> وجود این کسری بودجه در یک دوره دراز مدت و راههای تأمین مالی آن که عمدتاً در اقتصاد ایران از طریق استقراض از بانک مرکزی بوده است می تواند به عنوان یکی از دلایل تشدید تورم در سالهای اخیر تلقی شود. برآورد کششها

جدول (۳) برآورد کشش منابع مختلف درآمدهای عمومی دولت و کسری بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی ۱۳۶۷-۱۳۵۲

منابع درآمدهای دولت	تخمین کشش ( $\hat{b}$ )	$t$	$d^*$	$R^2$
۱- کل درآمدهای عمومی	۰٫۴۴۷	۴٫۲۶	۱٫۰۱۴	۰٫۵۷۸
۲- درآمدهای مالیاتی	۰٫۸۵۷	۱۴٫۰۸	۱٫۵۱۴	۰٫۹۳۴
۳- درآمد نفت و گاز	۰٫۰۴	۰٫۲۷**	۱٫۱۷۶	۰٫۰۰۵
۴- سایر درآمدهای عمومی	۱٫۲۲۵	۱۵٫۱۶	۱٫۸۵۹	۰٫۹۴۳
۵- مالیاتهای غیرمستقیم	۰٫۷۸۲	۹٫۸۸	۱٫۰۷۲	۰٫۸۷۵
۶- مالیات بر مصرف و فروش	۰٫۵۷۴	۵٫۲۳	۱٫۷۶	۰٫۶۶۲
۷- مالیات بر واردات	۱٫۱۱۴	۱۴٫۷۲	۱٫۲۹	۰٫۹۳۹
۸- مالیاتهای مستقیم	۰٫۹۲۸	۱۰٫۱۷	۱٫۸۲	۰٫۸۸۱
۹- کسری بودجه	۱٫۱۹۶	۸٫۴۰	۱٫۱۳۵	۰٫۸۳۵

همچنین کسری بودجه دولت که در جدول (۳) نشان داده شده است می توان نقش و

با توجه به نتایج بدست آمده در ارتباط با کشش منابع مختلف درآمدهای عمومی و

۶- باید افزود که میزان مالیاتها آنقدر ناچیز است که حتی نمی توان بیش از تقریباً  $\frac{1}{3}$  مخارج جاری دولت (هزینه های مصرفی دولت) را از طریق آن تأمین مالی نمود.

\* ملاک آماری، دوربین - واتسون است که برای آزمون وجود یا عدم وجود خود همبستگی محاسبه شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: مبانی اقتصادسنجی - احمد حمفری صمیمی - فصل هشتم.

\*\* در سطح ۵ درصد معنی دار نیست.

اهمیت انواع مختلف منابع عمومی دولت و مخصوصاً مالیاتها را به عنوان منابع داخلی در تأمین و تداوم رشد اقتصادی کشور در سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۲ تجزیه و تحلیل کرد.

#### ۱- کل درآمدهای عمومی

در ابتدا ممکن است این فرضیه در مورد کشورهای در حال توسعه مدنظر قرار گیرد که کشش کل درآمدهای عمومی نسبت به تولید ناخالص داخلی بزرگتر از یک می باشد زیرا این کشورها برای دست یابی به رشد سریع اقتصادی و تداوم آن لازم است از منابع بخش عمومی به صورت قابل توجهی استفاده نمایند. نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان می دهد که در کشور ما چنین وضعیتی در دوره زمانی مورد بررسی به هیچ وجه تحقق نیافته است. برآورد کشش این متغیر نسبت به تولید ناخالص داخلی (۰٫۴۷) نشان می دهد که نه تنها منابع بخش عمومی به صورت کل نتوانسته است همگام با رشد تولید خالص داخلی تغییر نماید، بلکه درصد تغییرات کل درآمدهای عمومی به مراتب

پائین تر از نرخ تغییرات تولید ناخالص داخلی در این سالها بوده است. بنابراین می توان گفت در دوره مورد بررسی منابع بخش عمومی در مجموع در اقتصاد ایران به هیچ وجه نتوانسته است در تأمین و تداوم رشد اقتصادی کشور نقشی اساسی داشته باشد.<sup>۷</sup>

#### ۲- کل درآمدهای مالیاتی

همانطوری که از ارقام موجود در جدول (۲) مشاهده می شود، یکی از مشخصات اصلی بخش عمومی در اقتصاد ایران پائین بودن نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی می باشد. در دوره مورد بررسی ارقام جدول فوق نشان می دهند که این نسبت در فاصله سالهای ۶۷-۱۳۵۲ بطور متوسط ۳۱٫۶٪ بوده است که این رقم حتی در میان کشورهای در حال توسعه یکی از پائین ترین ارقام را تشکیل می دهد.<sup>۸</sup>

جدول (۴) سهم و اهمیت مالیاتها در تولید ناخالص داخلی برخی از کشورهای در حال توسعه را در سال ۱۹۸۶ نشان می دهد. همانطوری که از ارقام موجود در این جدول

۷- البته باید توجه داشت که در این تحقیق همه ارقام به قیمت جاری محاسبه شده اند. بنابراین منظور از رشد اقتصادی در حقیقت رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری است. ارقام جدول (۱) نشان می دهند که به استثنای سالهای ۵۷ - ۵۶، تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری همواره از نرخ رشد مثبتی برخوردار بوده است. اما اگر تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت محاسبه شود در اینصورت باید گفت که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت به مراتب کمتر از قیمت جاری بوده است و در برخی از سالها مخصوصاً در سالهای اخیر به علت تشدید تورم، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، منفی نیز بوده است.

۸- بر اساس بررسی انجام شده توسط دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۶۴، در فاصله سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۷۴ میلادی جمهوری اسلامی ایران در این رابطه در میان ۶۱ کشور در حال توسعه فقط از اوگاندا وضعیت مناسبتری داشته و مقام ششم را داشته است.



منابع درآمدهای عمومی....

کل درآمدهای عمومی در دوره مورد بررسی به علت نوسان شدید قیمت نفت همواره از فراز و نشیب برخوردار بوده و در سالهای اخیر با کاهش مواجه بوده است. ثانیاً: هرچند رگرسیون مربوط به این منبع درآمد در دوره زمانی نتایج آماری چندانی رضایت بخشی را ایجاد نکرده است، ولی نشان می دهد که برخلاف انتظار درآمد نفت و گاز در سالهای مورد بررسی در مقایسه با درآمدهای مالیاتی و حتی در مقایسه با سایر منابع دیگر بخش عمومی، سهم بسیار ناچیزی

مشاهده می شود سهم مالیاتها در تمام این کشورها به استثنای بنگلادش بیشتر از سهم مالیاتها در تولید ناخالص داخلی کشور ما بوده است. برآورد کثش درآمدهای مالیاتی در دوره مورد بررسی (۸۵۷.۰) را نشان می دهد که مالیاتها نیز نتوانسته اند نقش تعیین کننده ای در روند و تداوم رشد اقتصادی کشور در این سالها داشته باشند.

۳- درآمد نفت و گاز

اولاً: ارقام موجود در جدول (۲) نشان می دهد که سهم درآمد نفت و گاز نسبت به

جدول (۴) سهم مالیاتها در تولید ناخالص داخلی برخی از کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۶ (درصد)\*

کشور	مالیات تولید ناخالص داخلی $\times 100$	کشور	مالیات تولید ناخالص داخلی $\times 100$
بنگلادش	۶	مصر	۲۱٫۳
هندوستان	۱۰٫۷	نیکاراگوئه	۳۶٫۱
پاکستان	۱۲٫۳	تایلند	۱۴٫۵
سريلانكا	۱۷٫۴	ترکیه	۱۵٫۸
اندونزی	۱۶٫۲	برزیل	۱۶٫۶
فیلیپین	۱۰٫۳	عمان	۸٫۸
مراکش	۲۲٫۸	سنگاپور	۱۶
غنا	۱۲٫۳		

\* منبع: با ترکیب ارقام موجود در جدول شماره (۲۴) منبع زیر محاسبه شده است:

World Development Report 1988, The World Bank 1988. pp 268-9.

در روند و تداوم رشد اقتصادی کشور داشته و نتوانسته است رشدی هماهنگ با تولید ناخالص داخلی کشور داشته باشد.<sup>۹</sup>

#### ۴- سایر درآمدهای عمومی

نتایج بدست آمده در رابطه با سایر درآمدهای عمومی دولت و با کشش بودن این منبع درآمد نسبت به تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که این متغیر در حقیقت یکی از منابع درآمدی دولت در دوره زمانی مورد بررسی بوده که نتوانسته است آهنگ رشد سریعتری نسبت به تولید ناخالص داخلی داشته باشد.<sup>۱۰</sup> ارقام موجود در جدول (۲) نیز نشان می‌دهند که سهم این نوع منبع درآمد، در سالهای اخیر از افزایش قابل توجهی برخوردار بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این منبع درآمدی از کشش پذیری بالایی برخوردار است و می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم داخلی برای تداوم رشد اقتصادی تلقی شود.

#### ۵- مالیاتهای غیر مستقیم

نتایج موجود در جدول (۳) نشان می‌دهد که در سالهای مورد بررسی، مالیاتهای غیرمستقیم نیز نتوانسته است هماهنگ با رشد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. به عبارت دیگر پارامتر کشش

مربوط به این منبع درآمد عمومی نسبت به تولید ناخالص داخلی کمتر از واحد برآورد شده است (۰.۷۸۲). این امر نشان می‌دهد که مالیاتهای غیرمستقیم مانند کل درآمد مالیاتی دولت نتوانسته است نقش مهمی در رشد اقتصادی کشور داشته باشد. بنابراین نمی‌توان به این منبع درآمد عمومی نیز به عنوان یک منبع داخلی مورد نیاز برای تداوم رشد اقتصادی تکیه کرد.

#### ۶- مالیات بر مصرف و فروش

همانطوری که ارقام کشش موجود در جدول (۳) نشان می‌دهد کشش این منبع درآمد عمومی نسبت به تولید ناخالص داخلی کوچکتر از یک می‌باشد (۰.۵۷۴). به عبارت دیگر می‌توان گفت در اقتصاد ایران در دوره مورد بررسی این نوع مالیات نیز نتوانسته است از رشد سریعتری نسبت به تولید ناخالص داخلی برخوردار باشد. لذا در دوره مزبور این نوع مالیات از انعطاف پذیری بالایی برخوردار نبوده است. بنابراین این منبع درآمدی نمی‌تواند بعنوان منبع داخلی در تداوم رشد اقتصادی تلقی شود. البته باید توجه داشت که این نوع مالیاتها طبیعتاً ساختی تنازلی دارند و بار ناشی از این نوع مالیات، بیشتر بر دوش گروههای کم درآمد

۹-  $R^2$  پائین و معنی دار نبودن  $t$  در سطح ۵ درصد از جمله نتایج نامساعد آماری است.

۱۰- برآورد کشش این متغیر نسبت به تولید ناخالص داخلی در دوره زمانی مورد بررسی ۱۶۲۲۵ بوده است که بزرگتر از واحد می‌باشد.

می باشد لذا از نظر عدالت مالیاتی، این منبع درآمدي دولت چندان مناسب نیست.

باشند.

## ۷- مالیات بر واردات

با توجه به کشش این منبع درآمد نسبت به تولید ناخالص داخلی (۱۴۴) باید گفت این مالیات برخلاف سایر مالیاتهای دیگر توانسته است بعنوان منبع داخلی مهمی در تداوم رشد اقتصادی کشور تلقی شود. بنابراین مشاهده می شود که این نوع مالیات غیرمستقیم برخلاف مالیات بر مصرف و فروش توانسته است در ارتباط با رشد تولید ناخالص داخلی از انعطاف پذیری بالایی برخوردار باشد. البته لازم به توضیح است که این امر ارتباط نزدیکی با بالا بودن واردات کشور دارد بنابراین در بین مالیاتهای مختلف این نوع مالیات چندان مناسب نیست.

## ۸- مالیاتهای مستقیم

نتایج به دست آمده در مورد مالیاتهای مستقیم و برآورد کشش این منبع درآمد عمومی (۹۲۸ ر.) این واقعیت را نشان می دهد که این منبع مالیاتی مانند کل مالیاتهای غیرمستقیم به هیچ وجه نتوانسته است هماهنگ با رشد تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی تغییر کند بنابراین در مجموع مالیاتها به استثنای مالیات بر مصرف و فروش نتوانسته اند نقش با اهمیتی بعنوان منابع داخلی در تداوم رشد اقتصادی کشور داشته

## ۹- کسری بودجه

با توجه به برآورد کشش منابع تأمین کسری بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی (۱۹۶) می توان گفت که این منابع در حقیقت یکی از مهمترین منابع داخلی دولت برای تأمین و تداوم رشد اقتصادی در کشور بوده است. اما نکته بسیار مهم و با اهمیتی که باید به آن توجه کرد این است که این منابع با سایر منابع درآمدهای عمومی دولت متفاوت هستند. بدین معنی که این منابع نه تنها نباید بعنوان درآمد عمومی دولت تلقی شوند بلکه باید در حقیقت این منابع را بعنوان بدهی دولت تلقی کرد هرچند در اقتصاد ایران به خاطر وابستگی شدید به این منابع، دولت همواره آن را مانند سایر درآمدهای عمومی دیگر تلقی نموده است.

بدین معنی که در تنظیم بودجه با توجه به کافی نبودن درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی در مقایسه با مخارج، استقراض و سایر منابع دیگر تأمین کسری نیز به عنوان درآمد دولت تلقی شده است. بنابراین می توان گفت در اقتصاد ایران در دوره مورد بررسی، منابع تأمین کسری بودجه که در حقیقت بدهی دولت و در نتیجه بدهی و دیون ملی نیز تلقی می شوند نتوانسته است در رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری نقش تعیین کننده ای

داشته باشد.<sup>۱۱</sup>

باید افزود که علل وابستگی دولت به منابع تأمین کسری بودجه ناشی از افزایش مخارج دولت از یکطرف و کافی نبودن درآمدهای دولت از طرف دیگر می باشد. با وجودی که در اقتصاد ایران مانند سایر کشورهای در حال توسعه و پیشرفته مخارج دولت از افزایش قابل توجهی در سالهای اخیر برخوردار بوده است و از این لحاظ ارقام مربوط به ایران در مقایسه با سهم آن در تولید ناخالص داخلی حتی با کشورهای پیشرفته شباهت دارد ولی متأسفانه درآمدهای دولت هیچگاه نتوانسته است خود را با مخارج دولت تطبیق دهد. بنابراین وجود کسری بودجه دولت در سالهای اخیر همواره یک امر عادی تلقی شده است.

یکی دیگر از مشخصات اقتصاد بخش عمومی ایران در رابطه با مسأله کسری بودجه دولت این است که دولت برای تأمین مالی این کسری مخصوصاً در سالهای اخیر شدیداً به استقراض از بانک مرکزی وابستگی پیدا کرده است. این امر یکی از مهمترین دلایل تشدید تورم در اقتصاد ایران در سالهای اخیر بوده است. جدول (۵) اهمیت کسری بودجه نسبت به درآمدهای دولت و همچنین اهمیت

استقراض از بانک مرکزی برای تأمین مالی کسری بودجه را در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می دهد.

همانطوری که از ارقام جدول (۵) مشاهده می شود، در فاصله سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۷، رقم کسری بودجه نسبت به درآمدهای دولت بین ۲۳٪ تا ۱۰۵٪ درصد نوسان داشته است. این ارقام در حقیقت میزان وابستگی دولت به کسری بودجه بعنوان یک منبع درآمد غیرواقعی را نشان می دهد. همچنین همانطوری که از ارقام موجود در این جدول مشاهده می شود در طول سالهای اخیر برای اولین بار در سال ۱۳۶۷ کسری بودجه دولت حتی از درآمدهای عمومی دولت نیز بیشتر بوده است.

همچنین ارقام ستون آخر جدول فوق نشان می دهد با وجود آن که در سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۷ میزان استقراض از بانک مرکزی برای تأمین مالی کسری بودجه در اقتصاد ایران در سالهای مختلف با نوسان همراه بوده است (بین ۴۱٪ تا ۹۲٫۲٪) ولی مشاهده می شود که این استقراض در حقیقت مهمترین روش تأمین مالی کسری بودجه دولت بوده است. این وضعیت در سال ۱۳۶۶ به بالاترین حد خود می رسد. بطوریکه در این

۱۱- با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی واقعی در سالهای اخیر حتی با کاهش نیز مواجه بوده است، بنابراین می توان گفت نکیه بر منابع تأمین کسری بودجه فقط نتوانسته است در رشد تولید ناخالص داخلی اسمی (قیمت جاری) تأثیر داشته باشد. به عبارت دیگر وابستگی دولت به این منابع از طریق ایجاد فشار تورمی و افزایش قیمتها نتوانسته است در رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری سهم باشد.

جدول ۵- سهم کسری بودجه نسبت به درآمدهای دولت و سهم استقراض از بانک مرکزی برای تأمین مالی کسری ۱۳۶۷ - ۱۳۵۷\*

سال	کسری بودجه (۱) (میلیارد ریال)	استقراض از بانک مرکزی (۲) (میلیارد ریال)	درآمدهای عمومی دولت (۳) (میلیارد ریال)	نسبت (۱) به (۳)	نسبت (۲) به (۱)
۱۳۵۷	۶۰۸٫۹	۲۵۰	۱۵۹۸٫۹	۳۸٫۱	۴۱٫۱
۱۳۵۸	۵۲۸٫۳	۳۵۰	۰۱۶۹۹٫۷	۳۱٫۱	۶۶٫۳
۱۳۵۹	۹۷۲٫۵	۶۸۸٫۶	۱۳۲۵٫۱	۷۳٫۴	۷۰٫۸
۱۳۶۰	۹۳۷	۷۷۹٫۱	۱۶۵۱٫۶	۵۶٫۷	۸۳٫۱
۱۳۶۱	۷۷۵٫۷	۵۶۷٫۲	۲۳۷۵٫۹	۳۲٫۶	۷۳٫۱
۱۳۶۲	۱۰۷۲٫۲	۶۹۵٫۳	۲۶۰۰٫۱	۴۱٫۲	۶۴٫۱
۱۳۶۳	۷۱۸	۳۶۴٫۷	۲۶۳۵٫۶	۲۷٫۲	۵۰٫۸
۱۳۶۴	۶۲۱٫۹	۲۵۵	۲۶۹۱٫۴	۲۳٫۱	۴۱
۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۲۸۴	۱۷۸۱٫۹	۷۷٫۲	۹۳٫۴
۱۳۶۶	۱۴۲۹٫۸	۱۳۷۴٫۷	۲۲۱۰٫۸	۶۴٫۷	۹۶٫۲
۱۳۶۷	۲۱۲۵٫۲	۲۰۲۴٫۵	۲۰۸۵٫۴	۱۰۵	۹۵٫۳

آمده در این تحقیق، می توان گفت در اقتصاد ایران منابع درآمدهای بخش عمومی غیر از مالیات بر مصرف و فروش و سایر درآمدهای دولت نتوانسته اند خود را با آهنگ رشد تولید ناخالص داخلی در سالهای ۶۷ - ۱۳۵۲ هماهنگ کند. در مقابل منابع تأمین کسری بودجه که مهمترین آن استقراض از بانک مرکزی می باشد توانسته است در دوره مورد بررسی آهنگ رشدی سریع تر از تولید

سال ۹۶٫۲ درصد از کسری بودجه از طریق دریافت وام از بانک مرکزی تأمین شده است. واضح است که این روش تأمین مالی کسری بودجه در اقتصاد ایران که همراه آن باعث افزایش نقدینگی و در نتیجه افزایش تقاضای کل می شود، در حقیقت فشارهای تورمی در سالهای اخیر را تشدید نموده است.

#### نتیجه گیری

در مجموع با توجه به نتایج به دست

\* ارقام به صورت قطعی و به قیمت جاری می باشند.

منبع: ترازنامه و گزارش سالانه بانک مرکزی ایران - سالهای مختلف و سالنامه آماری سال ۱۳۶۷ - مرکز آمار ایران بهمن ۱۳۶۸.

کشور امری اجتناب ناپذیر می باشد. لذا لازم است دولت با یک برنامه ریزی صحیح در این رابطه و تأکید بیشتر بر مخارج سرمایه گذاری، وابستگی شدید خود به استقراض از بانک مرکزی را که به اشتباه برای دولت همواره بعنوان درآمد عادی تلقی شده است، تخفیف دهد. استفاده از سیستم مالیات بر ارزش افزوده که اخیراً در اقتصاد ایران معرفی شده است بعنوان یک ابزار مالی مناسب در بالا بردن نقش و سهم مالیاتها در تأمین مالی مخارج دولت تلقی شود. به هر حال نتیجه تحقیق حاضر نشان می دهد که قدرت جمع آوری و اهمیت مالیاتها در تأمین مالی مخارج دولت و منابع داخلی برای تأمین رشد اقتصادی بسیار ناچیز بوده است. اگر برنامه های صحیح مالیاتی با موفقیت صورت پذیرند بطوریکه نقش این منبع داخلی در رشد اقتصادی بهبود یابد در اینصورت در آینده شاهد افزایش ارقام مربوط به کشش این منابع نسبت به تولید ناخالص داخلی خواهیم بود.

ناخالص داخلی داشته بنابراین می تواند در افزایش تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری نقش مهمی ایفا نماید. اما باید توجه داشت که این منابع با درآمدهای واقعی دولت متفاوت می باشند و در حقیقت منابع تأمین کسری بودجه را باید بدهی ملی تلقی نمود. لذا می توان گفت در مجموع شاید مهمترین منبع داخلی که در تأمین و تداوم رشد اقتصادی سالهای مورد نظر توانسته است مورد توجه دولت قرار گیرد بدهی ملی می باشد. این وابستگی دولت به استقراض از بانک مرکزی برای تأمین و تداوم رشد اقتصادی توانسته است فقط از طریق تشدید فشارهای تورمی در افزایش رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری سهم باشد زیرا ارقام تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سالهای اخیر با کاهش همراه بوده است. بنابراین منابع تأمین کسری بودجه نمی تواند بعنوان منابع داخلی مؤثر برای افزایش رشد اقتصادی واقعی تلقی شوند. بنابراین می توان گفت ضرورت اصلاح و تجدید نظر در نظام مالیاتی

## منابع

- 1- Kaldor, Nicholas, "Will Underdeveloped Countries Learn How To Tax? "Essays on Economic Policy, vol 1, London Gerald Duckworth and co, 1964.
- 2- Toye, J.F., J. edited: TAXATION and Economic Development, Frank Cass and co limited, London, 1978.
- 3- World Development Report 1988, The World Bank, Oxford University Press, June 1988.

- ۴- برآورد اولیه تولید و هزینه ملی کشور در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ بانک مرکزی ایران - تهران.
- ۵- بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب - بانک مرکزی ایران - تهران - چاپ دوم ۱۳۶۲
- ۶- حسابهای ملی ایران ۱۳۵۶ - ۱۳۳۸ - بانک مرکزی ایران - تهران - ۱۳۶۰
- ۷- قانون بودجه سال ۱۳۶۶ کل کشور.
- ۸- "نسبت مالیاتی، ظرفیت مالیاتی و کوشش مالیاتی" - دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی - وزارت امور اقتصادی و دارایی - تهران - ۱۳۶۴
- ۹- سالنامه آماری ۱۳۶۷ - مرکز آمار ایران بهمن ۱۳۶۸
- ۱۰- مباحث اقتصادی - احمد جعفری صمیمی - انتشارات جهاد دانشگاهی - تهران تابستان ۱۳۶۷
- ۱۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۷ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره بررسیهای اقتصادی